

Studying the factors affecting underdevelopment using the Delphi technique: A case study of Ardabil province

Parisa Naghipour *

PhD Student in Sociology, Department of Economics and Development, Faculty of Social Sciences, Islamic Azad Khalkhal Branch University, Khalkhal, Iran

Eghbaleh Azizkhani

Associate Professor, Department of Economics and Development, Faculty of Social Sciences, Khalkhal Branch Islamic Azad University, Khalkhal, Iran

Mohammad Reza Rashidi Alehashem

Associate Professor of Sociology, Imam Hussein University, Tehran, Iran

Abstract:

Introduction: In recent decades, development, as one of the most important global challenges, has always attracted the attention of politicians and socio-economic planners; in order to achieve sustainable development in the residential areas of countries, both urban and rural, it is necessary to understand the trends of past developments, analyze the current situation, and draw their desired space. In other words, understanding the environmental capabilities and the amount of services available in each region, and then determining the levels of development of these residential areas, is the first step in the planning and development process of these population areas.

Objective: The present study was written with the aim of determining the important and effective factors facing the underdevelopment of Ardabil province based on social, cultural, and economic indicators.

Methodology: This study is a descriptive-analytical study, although this study is an applied research based on its purpose, it is qualitative based on the method of data collection and the nature of the data. In order to collect information through interviews using the Delphi method, the main factors were identified. Therefore, the statistical population of the present study is 15 experts.

Conclusion: The results of the study indicate that factors such as lack of attention to the capabilities of the elite, limited job opportunities in the region, relative inattention to leisure time, lack of development thinking among residents, lack of continuity and necessity of continuous development activities and programs, and lack of a meritocracy system in terms of expertise received the highest scores and are the most important causes of underdevelopment in Ardabil province.

Keywords: Delphi technique, strategic analysis, development.

¹ Email: Parisanaghipur186@gmail.com (Corresponding Author)

مطالعه عوامل موثر بر توسعه نیافتگی با استفاده از تکنیک دلفی: مطالعه موردی استان اردبیل

پریسا نقی‌پور^{۱*}، اقباله عزیزخانی^۲، محمدرضا رشیدی آله‌اشم^۳

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۳/۱۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۶/۳۰

چکیده

مقدمه: طی دهه‌های اخیر توسعه به عنوان یکی از مهمترین چالش‌های جهانی همواره توجه سیاستمداران و برنامه ریزان اقتصادی اجتماعی را به خود جلب کرده است؛ در راستای دستیابی به توسعه پایدار در عرصه‌های سکونت گاهی کشورها اعم از شهر و روستا شناخت روند تحولات گذشته، تحلیل وضع موجود و ترسیم فضای مطلوب آنها ضروری است. به عبارت دیگر شناخت توانمندی‌های محیطی و میزان خدمات موجود در هر منطقه و در پی آن تعیین سطوح توسعه یافتگی این نواحی سکونتگاهی، نخستین گام در فرایند برنامه‌ریزی و توسعه این مناطق جمعیتی به شمار می‌رود.

هدف: پژوهش حاضر با هدف تعیین عوامل مهم و موثر پیش روی توسعه نیافتگی استان اردبیل بر اساس شاخص‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی به نگارش در آمده است.

روش شناسی: این تحقیق یک تحقیق توصیفی - تحلیلی محسوب می‌باشد، هرچند این پژوهش براساس هدف، از نوع تحقیقات کاربردی است، براساس نحوه گردآوری داده‌ها و ماهیت داده‌ها از نوع کیفی است. جهت جمع‌آوری اطلاعات از طریق مصاحبه به روش دلفی به شناسایی عوامل اصلی پرداخته شد. بنابراین جامعه آماری پژوهش حاضر ۱۵ نفر از متخصصین می‌باشد.

نتیجه‌گیری: نتایج تحقیق حاکی از آن است که عواملی همچون عدم توجه به توانمندیهای نخبگان، محدود بودن فرصت‌های شغلی در منطقه، بی‌توجهی نسبی به اوقات فراغت، نبود تفکر توسعه در بین ساکنان و عدم تداوم و لزوم مستمر بودن فعالیت‌ها و برنامه‌های توسعه، فقدان نظام شایسته‌سالاری بر حسب تخصص بیشترین امتیاز را کسب کردند و مهمترین علل توسعه نیافتگی استان اردبیل می‌باشند.

واژگان کلیدی: تکنیک دلفی، تحلیل راهبردی، توسعه.

^۱ دانشجوی دکترای جامعه‌شناسی، گروه اقتصاد و توسعه، دانشکده علوم اجتماعی، واحد خلخال، دانشگاه آزاد اسلامی خلخال، ایران، (نویسنده مسئول)
(E mail: Parisanaghipur186@gmail.com)

^۲ دانشیار گروه اقتصاد و توسعه، دانشکده علوم اجتماعی، واحد خلخال، دانشگاه آزاد اسلامی، خلخال، ایران

^۳ دانشیار جامعه‌شناسی، دانشگاه امام حسین (ع)، تهران، ایران

مقدمه

توسعه^۱ و عناوین مرتبط با آن (توسعه یافتگی و توسعه نیافتگی)، از دیرباز از مباحث بسیار مهم در حوزه‌های مختلف علوم اجتماعی بویژه جامعه‌شناسی بوده است. اصولاً توسعه یافتگی در هر کشوری نشان دهنده تغییرات بنیادین رو به پیشرفت و تعالی در همه ابعاد خرده نظام‌های اجتماعی است.

توزیع متعادل شاخص‌های توسعه از جمله مؤلفه‌هایی است که به عدالت اجتماعی-اقتصادی منجر می‌شود. پژوهشگران دریافته‌اند که توسعه پایدار، همواره توأم با توسعه عادلانه و رشد متوازن در مناطق مختلف جغرافیایی اعم از شهری و روستایی؛ و در بین اقشار و گروه‌های مختلف است (معصومی اشکوری، ۱۳۸۵).

نظریه پردازان توسعه، عوامل توسعه نیافتگی را به دو دسته عوامل درونی و بیرونی تقسیم می‌کنند که عبارتند از:

- الف) عوامل درونی شامل: ۱- رشد بی رویه جمعیت ۲- محدودیت‌های نیروی انسانی ماهر ۳- محدودیت‌های ذاتی و ساختی ۴- موانع فرهنگی ۵- عدم کارایی در استفاده از کمک‌های تکنیکی کشورهای توسعه یافته ۶- بی توجهی به امر تحقیقات و پژوهش‌های علمی و تکنولوژیک ۷- کمبود امکانات مالی، سرمایه و تخصص ۸- عدم کار آیی دولت‌ها.
- ب) عوامل بیرونی شامل: ۱- رابطه استعماری ۲- انقلاب صنعتی ۳- برخورد تاریخی ۴- تجارت جهانی (میره‌ای و همکاران، ۱۳۹۵: ۴)

هرچند هدف توسعه بهبود شرایط کلی زندگی مردم است؛ اما شاخص‌های توسعه یافتگی در کشورهای جهان، بویژه در ایران نشان می‌دهد که توزیع متوازی در سطح ملی، ناحیه‌ای و محلی صورت نگرفته است (فاضلی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۴۹). ملاحظه شاخص‌های استان اردبیل نیز در ابعاد مختلف توسعه بیانگر وضعیتی همانند کل کشور است.

آمارها نشان می‌دهد استان اردبیل با وجود داشتن پتانسیل کشاورزی، صنعتی و گردشگری از جمله استان‌های توسعه نیافته کشور محسوب می‌شود (محمدی، ۱۳۹۴، سجادی و همکاران، ۱۳۹۴، رضوانی و صحنه، ۱۳۸۴).

بررسی و شناخت مناطق، قابلیت‌ها و تنگناهای آن در برنامه ریزی ناحیه‌ای از اهمیت به سزایی برخوردار است، چرا که آگاهی از نقاط قوت و ضعف نواحی، ضرورتی جهت ارائه طرح‌ها و برنامه‌های منطقه‌ای محسوب می‌شود. از این رو تشخیص تقسیم‌بندی‌های سرزمینی از نظر برخورداری و اولویت بندی آنها برای اقدامات بعدی همواره از مشغولیت‌های ذهنی مسئولان توسعه بوده است.

با توجه به اینکه استان اردبیل به دلیل داشتن پتانسیل‌ها و شرایط توسعه یافتگی از جمله زمینه‌های گردشگری، کشاورزی، دامداری، دسترسی به دریا، نزدیکی به مرزهای خارج از کشور، جوانی جمعیت، تنوع اقوام، شرایط آب و هوایی، مراکز علمی و دانشگاهی، پیشینه تاریخی، همچنان از استان‌های کم برخوردار کشور محسوب می‌شود. بنابراین پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این سوال است که مهمترین مؤلفه‌های (اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی) توسعه نیافتگی استان اردبیل کدام است؟

اهداف تحقیق

- شناخت مؤلفه‌های (اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی) توسعه نیافتگی استان اردبیل
- ارزیابی اهمیت هر کدام از مؤلفه‌های توسعه نیافتگی استان اردبیل
- ارائه الگویی راهبردی جهت ارتقاء توسعه یافتگی استان اردبیل

¹ Development

سوالات تحقیق

- مؤلفه‌های (اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی) توسعه نیافتگی استان اردبیل کدام است؟
- مؤلفه‌های توسعه نیافتگی استان اردبیل از چه اولوی‌تی برخوردار هستند؟
- راهکار بهینه جهت ارتقاء توسعه یافتگی استان اردبیل چیست؟

مبانی نظری

رهیافت‌های نظری متعددی، در خصوص مفهوم توسعه و ارتباط آن با عوامل موثر در شکل‌گیری و استمرار آن وجود دارد که به طور خلاصه می‌توان به این موارد اشاره کرد:

دادلی سیرز توسعه را جریانی چندبعدی می‌داند که تجدید سازمان و سمت‌گیری متفاوت کل نظام اقتصادی-اجتماعی را به همراه دارد. به عقیده وی توسعه علاوه بر بهبود میزان تولید و درآمد، شامل دگرگونی اساسی در ساخت‌های نهادی، اجتماعی اداری و همچنین ایستارها و وجه نظرهای مردم است. توسعه در بسیاری از موارد حتی عادات و رسوم و عقاید را نیز دربر می‌گیرد. (ممتاز، ۱۳۹۴).

گونار **میردال** می‌گوید: توسعه یعنی فرایند دور شدن از «توسعه نیافتگی»، یعنی رهایی از چنگال فقر. راه رسیدن بدین مقصود و شاید آن‌چه که عملاً موجب کامیابی در این راه شود عبارت است از برنامه ریزی به منظور توسعه، و یا اینکه بروکفیلد می‌گوید: فرایند عام در این زمینه است که توسعه را برحسب پیشرفت به سوی اهداف رفاهی نظیر کاهش فقر، بیکاری و کاهش نابرابری تعریف کنیم. شومپتر توسعه را تغییرات مداوم و خود به خودی در کشورهای در حال توسعه که بعد از استقلال سیاسی تعادل اقتصادی موجود در اقتصاد را از دست داده‌اند، تعریف می‌کند (شومپتر، ۱۳۸۰: ۵). به نظر فریدمن توسعه عبارت است از یک روند خلاق و نوآور در جهت ایجاد تغییرات زیربنایی در سیستم اجتماعی (فریدمن، ۱۹۷۲: ۱۱).

فورتادو در تعریف توسعه نیافتگی می‌گوید: توسعه نیافتگی وضعیتی است که به دلیل عدم هماهنگی بین عوامل اقتصادی و تکنولوژی کاربردی امکان استفاده همزمان از سرمایه و نیروی کار در جامعه میسر نیست (ازکیا و غفاری ۱۳۸۸، ۳۰).

تودارو در باب ویژگی‌های توسعه نیافتگی می‌گوید: کشورها یا ممالک و یا مناطق توسعه نیافته با مسائلی نظیر فقر مزمن و زیاد بالا بودن میزان بیکاری و کم‌کاری شکاف عمیق و فزاینده در توزیع درآمد پایین بودن میزان بهره‌وری کشاورزی عدم تعادل رو به افزایش میان بخشهای شهری و روستایی در زمینه فرصتهای اقتصادی و سیستم آموزشی و بهداشتی نامناسب قدیمی روبرو هستند (تودارو، ۱۳۶۶: ۱۹).

بعد از جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۴۵ و به دنبال تغییر شرایط مادی جهان و لزوم توجه به مسائل کشورهای در حال توسعه بحث در مورد توسعه قوت گرفت (ویلیس^۱، ۲۰۰۵: ۲۶). به بیان دیگر تفاوت بین مسائل کشورهای جنوب با مسائل کشورهای اروپایی و آمریکایی نقطه آغازی برای شروع نظریه پردازی در حوزه توسعه بود.

توسعه مفهومی چندوجهی است ولی عدم تمایز بین وجوه مختلف آن موجب شده است که از دیدگاه رشته‌های علمی متعددی همچون اقتصاد علوم سیاسی، اقتصاد سیاسی و جامعه‌شناسی مورد توجه قرار گیرد. همین امر نیز سبب شده است که مفهوم توسعه محل تلاقی آراء متفاوتی باشد گرچه پیدایش مفهوم توسعه به ابتدای قرن بیستم بازمی‌گردد ولی نظریات توسعه اقتصادی برای اولین بار با تأسیس سازمان ملل پدیدار شد. با این حال برخی از نظریه پردازان مطرح توسعه همچون لفت ویچ، معتقدند که مسائل و پرسشهای اصلی علم جامعه‌شناسی همچون، رشد تغییر برابری قدرت و عمدتاً به توسعه مربوط اند.

¹ Willis

به بیان دیگر آنچه مورد توجه نظریه پردازان کلاسیک بود همچون پیدایش تقسیم کار پیشرفته، گذر از جوامع مکانیکی به ارگانیکی تحولات جامعه غربی از کشاورزی و فئودالیسم به صنعتی و سرمایه داری، غلبه کنش های عقلانی بر کنش های سستی و ... همگی حول مفهوم توسعه قابل طرح اند.

با این حال، آنچه تحت عنوان نظریه توسعه مطرح می شود با آغاز نظریه پردازی در دهه ۵۰ میلادی آغاز شد. به طور کلی می توان رویکردهای مربوط به توسعه را به لحاظ زمانی به پنج دسته تقسیم کرد که در زیر به آنها اشاره می شود.

رویکرد نوسازی: ریشه های آغازین نظریات توسعه در مکتب نوسازی، برخاسته از دیدگاه های تکامل گرایی و کلاسیک جامعه شناسی است. از آنجایی که نظریات تطور، توانسته بودند گذار کشورهای اروپای غربی از مرحله سستی به مدرن را تبیین کنند، در نتیجه برخی از نظریه پردازان مکتب، نوسازی به دنبال این بودند که از چنین دیدگاهی برای حل مشکل توسعه نیافتگی کشورهای جهان سوم استفاده کنند. بخش دیگری از نظریه پردازان مطرح مکتب نوسازی نیز وابسته به مکتب و اندیشه کارکردگرایی بودند (پورتس^۱، ۲۰۱۵: ۲۱). در میان جامعه شناسان، نظریه پردازانی همچون پارسونز، هوزلیتز، اسمسler، ایزنشتاد، برینگتون مور و لوی با رویکردی اجتماعی به توسعه پرداخته اند.

تیپ بندی پارسونز از جوامع بر مبنای تطور تاریخی و بحث در رابطه با متغیرهای الگویی، اساسی ترین دیدگاه های او در رابطه با مفهوم توسعه را شرح می دهند متغیرهای الگویی، روابط اجتماعی مهمی هستند که در بستر نظام فرهنگی قرار داشته و از خصوصیت دوام و تکرارپذیری برخوردارند. از نظر پارسونز از طریق این متغیرهای الگویی می توان میان جوامع سستی و مدرن تمایز قائل شد. اولین دسته از این متغیرهای الگویی روابط شخصی در برابر روابط غیر شخصی است. دومین دسته از متغیرهای الگویی، روابط خاص گرایی در برابر عام گرایی است. سومین دسته از متغیرهای الگویی تحت عنوان جهت گیری جمع گرا در مقابل جهت گیری خویش گرا، مطرح می شود. چهارمین دسته عبارت است از ویژگی های انتسابی در مقابل اکتسابی. در جوامع سستی برخورد با فرد بر اساس ویژگی هایی است که به او اعطا شده و قابل تغییر نیست. بالاخره پنجمین متغیر الگویی عبارت است از نقش های اختصاصی در مقابل آمیختگی نقش ها به این صورت که در جوامع سستی غالباً نقش ها در هم آمیخته است. ولی در جوامع مدرن نقش ها اختصاصی است و افراد می توانند فرصت بیشتری را به افزایش کارایی و بهره وری اختصاص دهند. (توسلی، ۱۳۸۴).

از نظر اسمسler در یک جامعه پیشرفته تمایزات ساختی یا تفکیک کارکردی عناصر ساختی به طور کامل صورت گرفته است. در حالی که جوامع توسعه نیافته فاقد چنین تفکیکی هستند. پس تغییر روی تفکیک متمرکز شده است و آن فرایندی است که طی آن واحدهای اجتماعی مستقل و تخصصی شده، به جای واحدهای سستی استقرار می یابند (از کیا، ۱۳۸۱: ۱۰۰) ایزنشتاد نقطه آغازین فرایند نوسازی در همه جوامع را یکسان نمی بیند. معمولاً در جوامع جهان سوم عواملی نظیر گسترش استعمار، بسط نوآوری های فنی و جنبش های فرهنگی به عنوان محرک های اولیه نوسازی هستند (از کیا، ۱۳۸۱: ۱۰۳-۱۰۲)..

لوی جوامع را به دودسته نسبتاً نوسازی نشده و نسبتاً نوسازی شده تقسیم می کند از نظر، لوی جوامع نسبتاً نوسازی نشده با ویژگی هایی همچون درجه پایین تخصص گرایی، درجه بالای خوداتکایی، اصول فرهنگی مبتنی بر سنت، خاص گرایی، و امتزاج کارکردها، تأکید نسبتاً اندک بر گردش پول و بازار اصول و قواعد خانوادگی نظیر خویشاوند گرایی، و جریان یک طرفه کالا و خدمات از مناطق روستایی به سمت مناطق شهری، مشخص می شوند. در مقابل مهم ترین ویژگی های جوامع نسبتاً نوسازی شده، درجه بالای تخصص گرایی، وابستگی متقابل سازمان ها، قواعد فرهنگی مبتنی بر عقلانیت، عام گرایی و کارکردهای اختصاصی، درجه بالای تمرکز گرایی، تأکید نسبتاً زیاد بر گردش پول و بازار، نیاز به جدا کردن دیوان سالاری از دیگر زمینه ها و جریان دو طرفه کالاها و خدمات بین شهرها و مناطق روستایی می باشد (سو، ۱۳۸۶: ۳۹).

^۱ PORTES

مور، ساختار اجتماعی و فرهنگی را به عنوان مهمترین علل در راستای توسعه روابط و ساختارهای اقتصادی و اجتماعی درونی کشورها می‌داند (از کیا، ۱۳۸۱: ۱۰۶). از نظر وی پنج مرحله عمده در جریان هر فرایند رشد اقتصادی وجود دارد. به عبارت دیگر هر جامعه توسعه نیافته‌ای برای رسیدن به رشد و توسعه اقتصادی باید این پنج مرحله را طی کند این پنج مرحله عبارت اند از: جامعه سنتی، مرحله قبل از خیز، مرحله خیز اقتصادی، مرحله بلوغ، مرحله مصرف انبوه (روستو، ۱۹۹۰). از نظر کلمن گرایش غالب کشورهای توسعه یافته به سمت تفکیک و تمایز ساختارهای سیاسی است تخصصی شدن فزاینده نقش ها، افزایش پیچیدگی در ساختارها و درجه عالی تر وابستگی متقابل میان نهادهای سیاسی از نتایج فرایند تفکیک و تمایز به شمار می‌روند (سو، ۱۳۸۶).

رویکرد وابستگی: نظریات وابستگی، عدم توسعه یافتگی جوامع را نه کمبودهای فرهنگی جوامع فقیر، بلکه مربوط به انقیادشان توسط سرمایه داری پیشرفته منتسب می‌کرد مبادله ی نابرابر میان این جوامع؛ به این صورت که جوامع مسلط مواد خام و دیگر منابع ارزشمند را با قیمت ارزان از کشورهای پیرامون فاقد قدرت استخراج می‌کردند و کالاهای تولید شده باقیمت بالا را در قبالش می‌دادند (پورتس ۲۰۱۵: ۲۲).

فرانک از جمله نخستین نظریه پردازانی است که توسعه و توسعه نیافتگی را از دیدگاه وابستگی اقتصادی و استثمار بین المللی بررسی کرده است. به عقیده وی لیبرالیسم اقتصادی در اقتصاد داخلی کشورهای توسعه نیافته، انحصارات را توجیه می‌کند و بدین وسیله توسعه نیافتگی اکثریت را گسترش می‌دهد (سالار، ۱۳۹۷: ۲۷).

رویکرد نظام‌های جهانی: والرشاین از منطق تقسیم جهان به دو قسمت مرکز و پیرامون تبعیت می‌کند اما از وجود مناطق نیمه پیرامونی نیز یاد می‌کند و معتقد است که کشورهای می‌توانند هرچند به طور محدود، میان این موقعیتهای سه گانه جابجا شوند. به نظر وی نظام جهانی سرمایه داری در عصر حاضر به دو دلیل به یک بخش نیمه پیرامونی نیاز دارد. اول آنکه این بخش مفری سیاسی برای جلوگیری از متلاشی شدن سیستم در نتیجه تقابل مرکز - پیرامون به شمار می‌آید و دوم آنکه این مناطق فرصتی برای انتقال سرمایه‌ها در دوره‌های رکود فراهم می‌سازند و هزینه‌های رکود را برای سرمایه داری جهانی تقلیل می‌دهند (سو، ۱۳۸۶). طبق دیدگاه نورمن جاکوبز در تحلیل توسعه توجه به مسائل فرهنگی اجتماعی، ساختاری و نهادی ضروری است. به بیان دیگر طبق این دیدگاه می‌توان گفت عمل اقتصادی تابعی از ارزشها، تعهدات اساسی و اهداف نهفته در ورای نهادهای مختلف سیاسی اقتصادی، مذهب و ... دانست (علمداری، ۱۳۸۷: ۴۷).

رویکرد نئولیبرالیسم: از نظر این رویکرد، ایده ی اصلی تقویت بازارها برای تجارت آزاد به منزله راهی برای توسعه است و برنامه هایی نظیر خصوصی سازی، جذب سرمایه گذاریهای خارجی حذف قوانین دولتی و حمایت از تولیدات بود. نقش دولت صرفاً به تأمین کالاهای عمومی یعنی کالاهایی که بخش خصوصی به سمت آنها نمی‌رفت. تقلیل پیدا کرد (چانت و مک واین، ۲۰۰۹: ۳۸).

رویکرد ما بعد توسعه: طبق این گفتمان از توسعه، جوامع سنتی، می‌تواند به عنوان تسهیل گر در امر توسعه عمل کند. این رویکرد از توسعه کاملاً حساس به زمینه است و شرایط بومی را نیز در تدوین الگوهای توسعه در نظر می‌گیرد. جدول زیر این پنج رویکرد را به همراه مهمترین مدعیات، مهمترین نظریه پردازان و دوره زمانی نشان می‌دهد.

جدول ایده‌های اساسی نظریات توسعه و نظریه پردازان عمده

رویکرد	دوره زمانی	ایده اساسی	نظریه پردازان عمده
نظریات نو سازی	۱۹۵۰	همه کشورها از مدل اروپایی پیروی کنند.	ریشه‌های نظری تکاملی (دورکیم، وبر، پارسونز)، روستو، هوزلیتز، اسمسler، ایزنشتاین، مور، لوی، شومپتر، روستو، کلمن

رویکرد	دوره زمانی	ایده اساسی	نظریه پردازان عمده
نظریات وابستگی	۱۹۷۰	کشورهای جنوب به خاطر استعمار کشورهای شمالی است که فقیر مانده اند.	فرانک، باران، دوس سانتوس، لندسبرگ، کاردوزو
نظریه نظام جهانی	۱۹۷۵	مرکز-نیمه پیرامونی-پیرامونی	والرشتاین، برگسن و شونبرگ
نئولیبرالیسم	۱۹۸۰	بازار مهم است، دولت باید از مداخله مستقیم در اقتصاد عقب نشینی کند.	هایک، فریدمن
مابعد توسعه	۱۹۹۰	ایده‌های توسعه، شکلی از استعمار و اروپامداری را به نمایش می‌گذارند که باید توسط توده‌های محلی مورد نقد قرار گیرد.	اسکوبار، لیچ، سیداوی، استوا

پیشینه تحقیق

حسن پور و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی تحت عنوان سنجش نابرابری فضایی توسعه یافتگی زیرساختی در استان اردبیل با هدف تحلیل نابرابری فضایی توسعه یافتگی زیرساخت ها در استان اردبیل به نگارش در آورده است. هدف پژوهش، کاربردی؛ رویکرد آن، توصیفی-تحلیلی و شیوه گردآوری داده ها، کتابخانه ای-اسنادی بوده است. برای نیل به این هدف، ۱۰۰ شاخص زیرساختی به کار برده شده است که در شش گروه زیرساخت های حمل و نقل و ارتباطات، اجتماعی-رفاهی، آب و انرژی، کشاورزی، مالی و مناطق سبز دسته بندی شده اند. نتایج تحقیق نشان داده است که در استان اردبیل در توزیع امکانات زیرساختی، نابرابری وجود دارد و برنامه ریزی درست برای رفع این کاستی‌ها به مطالعاتی فراتر از پژوهش حاضر در جهت افزایش تولید ناخالص داخلی، همگرایی درآمد و رشد اقتصادی نیاز دارد.

ابراهیمی و همکاران (۱۳۹۸) پژوهشی با عنوان تحلیل جامعه شناختی توسعه یافتگی شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی با توجه به فضای اجتماعی جغرافیایی با روش تاکسونومی انجام دادند. آنها دریافتند؛ شهرستان‌های تبریز، مرند و مراغه به ترتیب در رتبه‌های بالای توسعه یافتگی قرار دارند و شهرستان‌های خدابین و چاراویماق در رتبه‌های آخر قرار دارند. همچنین میزان توسعه یافتگی در قسمت غربی استان نسبت به نواحی شرقی بیشتر بوده است و سطح توسعه یافتگی در ارتباط با فاصله از مرکز، دسترسی به خطوط حمل و نقل ریلی و جاده‌ای بوده است.

مردوخی و همکاران (۱۳۹۷) پژوهشی تحت عنوان تبیین علل توسعه نیافتگی استان کردستان ایران (با کاربست روش کیفی) به نگارش درآورده است. هدف اصلی پژوهش حاضر شناختی جامع از علل توسعه نیافتگی این استان است که با رویکردی جامعه شناسانه کشف و بررسی شود. در این راستا از رویکرد تفسیرگرایی اجتماعی بهره گرفته و با کاربست روش نظریه زمینه‌ای و تکنیک مصاحبه عمیق به مطالعه علل توسعه نیافتگی استان کردستان پرداخته است. نتایج تحلیل داده‌های پژوهش حاضر و مدل زمینه‌ای ارائه شده نشان می‌دهد که مردم کردستان علل توسعه نیافتگی را به مثابه توسعه‌ای ناموزون و ناهماهنگ تفسیر می‌کنند که این عناصر ناموزون در ترکیب خود زمینه پدید آمدن روابط اجتماعی ناعادلانه و آسیب‌های فراوان اجتماعی را فراهم آورده است. مختاری (۱۳۹۶) پژوهشی تحت عنوان اولویت بندی درجه توسعه یافتگی شهرهای جدید استان تهران (پرنده، پردیس، اندیشه، هشتگرد) به روش تاکسونومی به انجام رسانیده است. روش گردآوری اطلاعات از نوع کتابخانه‌ای و پیمایشی بوده که با استفاده از تکنیک تاکسونومی عددی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد؛ بر اساس متغیرهای مرتبط با این شاخص‌ها پردیس در رتبه اول توسعه یافتگی، هشتگرد و اندیشه در رتبه دوم و شهر جدید پرنده در رتبه سوم توسعه یافتگی یا عدم برخورداری قرار گرفتند.

زالی و همکاران (۱۳۹۶) پژوهشی تحت عنوان شناسایی عوامل کلیدی مؤثر بر توسعه نیافتگی منطقه‌ای (مطالعه موردی: استان کهگیلویه و بویراحمد) با هدف شناسایی موانع اصلی توسعه این استان به نگارش در آورده است. جامعه آماری، شامل مدیران ارشد استان است. که از این میان ۲۳ نفر به صورت نمونه انتخاب شدند. نتایج حاصل از این پژوهش نشان داده است که ۶ عامل، مدیریت قومی و قبیله‌ای - نصب و عزل زیاد مدیران - عدم درک صحیح شرایط روز توسط مدیران - عدم توجه مدیران به خواسته‌های مردم - عدم نگاه کلان مدیران جهت توسعه کل استان - تعصبات بی جا و تنگ نظرانه مدیران جهت توسعه مناطق به عنوان ضعف مدیریت داخلی استان و ۳ عامل، عدم تخصیص بودجه مناسب - دور بودن از مرکز - عدم تسهیلات مناسب برای جذب سرمایه گذاران، به عنوان ضعف مدیریت کلان کشور و ۳ عامل، تقابل فرهنگ ایلاتی با فرهنگ مدون - اختلافات بین اقوام مختلف - پائینی نرخ باسوادی هم به عنوان ضعف فرهنگی استان به شمار می آید.

اسماعیل زاده و همکاران (۱۳۹۵) پژوهشی باهدف تحلیل سطح توسعه یافتگی شهرستان‌های استان البرز انجام داده است. بر این اساس، روش انجام پژوهش مقایسه‌ای تحلیلی، نوع آن کاربردی و جمع آوری داده‌ها به شیوه‌ی اسنادی و کتابخانه‌ای است. نتایج ضریب هم بستگی پیرسون نیز بیانگر آن است که بین جمعیت به عنوان مهم ترین عامل در خدمات رسانی و پراکنش خدمات رابطه‌ی منطقی‌ای نیست؛ بنابراین نظام توزیع خدمات در استان البرز نیازمند برقراری ارتباط منطقی و هماهنگی بین توزیع جمعیت و پراکنش خدمات است.

رئیزی و همکاران (۱۳۹۴) پژوهشی تحت عنوان سنجش توسعه یافتگی نواحی شهر شیراز به نگارش در آورده است. جهت پرداختن به این مساله، در مقام گردآوری داده‌ها از روش‌های مختلف اسنادی، کتابخانه‌ای و نیز میدانی استفاده شده و در مقام تحلیل و داوری داده‌ها از روش تحلیل عاملی و نیز تاکسونومی عددی بهره گیری شده است. طبق یافته‌های این پژوهش، توجه به سه عامل می‌تواند تا حد زیادی این اختلاف توسعه یافتگی را کاهش دهد که این عوامل سه گانه به ترتیب عبارتند از: عامل اول، شعاع دسترسی به دستگاه‌های زیربنایی در زمینه ورزش و سلامتی (مانند درمانگاه و بیمارستان) و اقتصاد (مانند بانک). عامل دوم، مولفه‌های رفاه خانواده مانند درآمد، اشتغال و توانمندسازی خانواده‌های برخوردار از کمک نهادهای حمایتی و عامل سوم، توجه به کیفیت زیرساخت‌های شهری مانند آسفالت و آب.

قدیمی و همکاران (۱۳۹۴) پژوهشی تحت عنوان تحلیل سطوح توسعه یافتگی شهرستان‌های استان اردبیل به نگارش در آورده است. روش پژوهش، توصیفی - تحلیلی است. در پژوهش حاضر سعی شده با بهره گیری از مدل مورس و استفاده از شاخص‌های توسعه در زمینه‌های بهداشتی درمانی، آموزشی، فرهنگی اجتماعی، اقتصادی، صنعتی، کالبدی و زیربنایی به تعیین و تحلیل سطوح توسعه شهرستان‌های استان اردبیل پرداخته تا نتایج بدست آمده از این تحقیق در سایر مطالعات مرتبط مورد استفاده قرار گیرد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد سطوح شهرستان‌های استان اردبیل متعادل نبوده و بین شهرستان‌های استان به لحاظ شاخص‌های توسعه اختلاف و شکاف بزرگی وجود دارد، همچنین وضعیت شهرستان‌ها را در ۵ سطح برخوردار، نسبتاً برخوردار، محروم و بسیار محروم مشخص می‌کند که در این میان شهرستان‌های نیر، کوثر و سرعین در سطح برخوردار، اردبیل، نمین، مشکین و خلخال نسبتاً برخوردار و سایر شهرستان‌های استان در سطح کم برخوردار و محرومی قرار دارند.

یزدانی و همکاران (۱۳۹۴)، پژوهشی با عنوان سنجش و تحلیل سطوح توسعه یافتگی زیربنایی در نواحی روستایی استان اردبیل به نگارش در آورده است. پژوهش حاضر با استفاده از ۱۳ شاخص زیربنایی، به دنبال سنجش سطح توسعه یافتگی دهستان‌های استان اردبیل و تعیین سطوح برخورداری آن‌ها بوده است. روش تحقیق به صورت توصیفی - تحلیلی بوده و داده‌های تحقیق به روش کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده است. نتایج تحقیق نشان داده است که دهستانهای پلنگا، محمودآباد و ویلکج جنوبی، به ترتیب در رتبه‌های نخست و دهستان‌های کلخوران، پایین برزند و انگوت شرقی به ترتیب در رتبه‌های آخر از لحاظ توسعه یافتگی زیربنایی قرار دارد.

تقوایی و بهاری (۱۳۹۱)، در پژوهشی با عنوان «سطح بندی و سنجش درجه توسعه یافتگی شهرستان‌های استان مازندران» با استفاده از تکنیک تحلیل عاملی به بررسی درجه توسعه یافتگی در هشت شاخص اصلی: آموزش، بهداشت و درمان، جمعیت و نیروی انسانی، حمل و نقل و ارتباطات، خدمات اداری، اجتماعی و رفاهی، خدمات زیر بنایی و تاسیسات، صنعت و معدن، فرهنگی، اجتماعی و کشاورزی و زیر شاخص‌های مربوطه اقدام نموده اند که از بین شهرستان‌ها، سواد کوه بسیار برخوردار و نکا و گلوگاه بسیار محروم سطح بندی شده اند و فرضیه اول پژوهش با عنوان بین شهرستان‌های استان مازندران از نظر شاخص‌های مورد بررسی نابرابری و تفاوت وجود دارد، مورد تایید قرار می‌گیرد. همچنین در طبقه بندی حاصل شده از سطوح توسعه شهرستان‌های استان چنین برداشت می‌شود که بین میزان جمعیت و توزیع امکانات و خدمات هماهنگی لازم وجود نداشته و این فرضیه دوم پژوهش را نیز تایید می‌کند.

زنگی آبادی، علیزاده و احمدیان (۱۳۹۰) در پژوهشی به بررسی و تحلیل درجه توسعه یافتگی شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی با استفاده از مدل‌های تاپسیس و AHP بر اساس هشت شاخص بهداشتی درمانی با روش توصیفی و تحلیلی پرداخته اند، نتایج این پژوهش نشان داده است که شهرستان تبریز با توجه به اینکه مرکز اداری سیاسی استان می‌باشد از لحاظ شاخص‌های بهداشتی - درمانی در رتبه نخست قرار گرفته است. در این بین شهرستان اسکو با اندک فاصله از شهرستان تبریز در مرتبه دوم واقع شده است. شهرستان ملکان در این سطح بندی رتبه آخر را کسب کرده و با توجه به شاخص‌های بهداشتی درمانی در شرایط نامناسبی نسبت به سایر شهرستان‌های استان قرار گرفته است.

هیتس (۲۰۲۱) در پژوهشی با عنوان درون زایی پیشرفت اجتماعی به عنوان منبع رشد اقتصادی که در اکرین انجام داد نتیجه گرفت؛ برای توسعه اقتصادی می‌بایست به مدل‌های توسعه‌ای درون زا توجه کرد. از نظر وی برای دستیابی به توسعه اقتصادی پایدار به نقش دولت و نهادهای مدنی در جامعه پذیری شهروندان جهت درونی سازی منافع عمومی بر منافع شخصی تأکید دارد.

حبیب و همکاران (۲۰۱۸) در پژوهشی با عنوان گفتمان توسعه نیافتگی آفریقا، دیدگاهی درباره منبع تداوم آن و راه حل‌های ممکن؛ که با رویکرد تاریخی - تحلیلی انجام دادند دریافتند که فساد، استعمار و برده داری، سه مولفه نهادی توسعه نیافتگی کشورهای آفریقایی است که برای رسیدن به توسعه پایدار کشورها نیازمند سرمایه گذاری در صنایع، رفع تبعیض قومیتی و نژادی و پرهیز از جنگ‌های داخلی هستند.

گرین و آلیسون (۲۰۱۶) در پژوهشی با عنوان توسعه جهانی پایدار که باهدف ارائه دستورالعملی جهانی برای توسعه یافتگی همه کشورهای جهان انجام دادند؛ برای توسعه کشورها بیان می‌کنند که کشورهای فقیرتر و کم تر توسعه یافته، همچنان حمایت بین‌المللی را می‌طلبند اما کشورهای توسعه یافته و ثروتمند برای ثبات توسعه پایدار می‌بایست اقدام به کنترل مهاجرت‌های بی رویه، توزیع کالاهای مورد ضرور از جمله داروهای محافظت کننده در برابر بیماری‌ها به کشورهای فقیر نموده همچنین برای توسعه تجارت جهانی به امنیت فضای سایبر بپردازند.

جکسون و بیتز (۲۰۱۶) در پژوهشی با عنوان علل توسعه نیافتگی نیجریه که با تحلیل ثانویه انجام دادند نتیجه گرفتند؛ علاوه بر تاثیر استعمار و پیامد سیاست تک محصولی مبتنی بر نفت، بی توجهی به توسعه روستاها، بی توجهی به گسترش صنعت و حاکمیت اقتصاد واردات محور از علل توسعه نیافتگی نیجریه می‌باشد.

استری و همکاران^۱ (۲۰۱۴) در مطالعه پانل خود بر روی ۹۰ کشور در فاصله سالهای ۱۹۶۰ تا ۲۰۱۰، با استفاده از مجموعه داده‌های SWID و سنجش نابرابری درآمدی به صورت ضریب جینی درآمدی دریافتند که نابرابری بر توسعه اثر منفی دارد.

هرزر و ولمر^۲ (۲۰۱۲) در تحقیق پانل خود بر روی ۴۶ کشور در بازه زمانی ۱۹۹۵-۱۹۷۰ دریافتند که نابرابری تأثیر منفی و معنی داری هم در کشورهای در حال توسعه و هم در کشورهای توسعه یافته داشته است.

^۱ Ostry, berg and tsangarides

^۲ Herzer and Vollmer

چامبرز و کراس^۱ (۲۰۱۰) در تحقیقی با استفاده از داده‌های ۵۴ کشور و بازه‌های زمانی پنج ساله دریافتند که به طور کلی بین نابرابری درآمدی و سطح توسعه اقتصادی کشورها رابطه معکوس معنی داری برقرار است. یافته‌ها نشان داد که در کشورهای با سطح سرمایه انسانی پایین (تحصیلات پایین)، هرچه سرمایه فیزیکی بیشتر باشد، تأثیر نابرابری بر توسعه بیشتر است. اما در کشورهای دارای سرمایه انسانی بالا، هرچه سرمایه فیزیکی بیشتر باشد، تأثیر نابرابری بر توسعه کمتر می‌شود.

نوری^۲ (۲۰۰۸) در پژوهشی با عنوان اندازه گیری توسعه پایدار، با مطالعه نتایج حاصل از یک تحلیل در هشت بعد توسعه پایدار در فرانسه، با تأکید بر این واقعیت که هیچ شاخصی کامل نیست و هیچ کس نمی‌تواند در مورد توسعه پایدار نظر جامعی بدهد. با توجه به این تحقیق، شاخص‌ها نتایج مختلفی را نشان می‌دادند و به نظر وی در طی سال مورد بررسی، حرکت فرانسه به سمت توسعه پایدار روند کندی داشته است.

با عنایت به موارد مطرح شده در پیشینه پژوهش تحقیق با نگاه به نظریاتی که به کار گرفته شد تماماً با توجه به مقتضیات زمانی و مکانی مطرح شده است و نقدهایی نیز توسط متخصصان امور به آنها وارد شده است و نکته دیگر اینکه همه این پژوهش‌ها یا به دنبال شناسایی عوامل توسعه نیافتگی مناطق یا ارائه برنامه استراتژیک برای یک منطقه خاص بوده است. آنچه در این پژوهش دنبال می‌شود و می‌توان آن را نسبت به سایر پژوهش‌ها دارای امتیاز دانست این است که برای برنامه‌ریزی توسعه استان اردبیل ابتدا به شناسایی موانع اصلی توسعه پرداخته می‌شود تا قبل از وارد شدن به مرحله برنامه ریزی بتوان شروط صفر برنامه ریزی را شناسایی کرد و بعد از اینکه این عوامل، شرایط و زمینه‌های توسعه نیافتگی استان شناسایی گردید برای برنامه ریزی توسعه استان اردبیل اقدام شود. در نهایت برای رفع موانع اصلی توسعه استان اردبیل و همچنین برای برنامه ریزی توسعه آینده استان راهبردهایی ارائه گردد.

روش پژوهش

این تحقیق یک تحقیق توصیفی-تحلیلی محسوب می‌شود، هرچند این پژوهش بر اساس هدف، از نوع تحقیقات کاربردی است، بر اساس نحوه گردآوری داده‌ها و ماهیت داده‌ها از نوع کیفی است.

جهت جمع آوری اطلاعات ابتدا از طریق مصاحبه به روش دلفی-که فرایندی است ساختار یافته برای جمع آوری و طبقه بندی دانش موجود در نزد گروهی از کارشناسان و خبرگان می‌باشد- شناسایی عوامل اصلی صورت گرفت که طی آن مجمع خبرگان ۱۵ نفره تشکیل شد. بنابراین با روش دلفی عوامل اصلی شناسایی شدند. بنابراین جامعه آماری پژوهش حاضر شامل ۱۵ نفر از متخصصین و کارشناسان و مسئولان مطلع که به صورت نمونه گیری هدفمند انتخاب شده اند. روش تجزیه و تحلیل با استفاده از روش دلفی، مجمع خبرگان می‌باشد.

مراحل روش دلفی در پژوهش حاضر

در روش دلفی اولین گام این هست که افراد متخصص در زمینه مورد نظر مشخص شوند گزینش اعضای واجد شرایط برای پانل دلفی از مهم ترین مراحل این روش به حساب می‌آید؛ زیرا اعتبار نتایج کار بستگی به شایستگی و تخصص این افراد دارد این افراد در دلفی بر اساس روش نمونه گیری غیر احتمالی تعیین می‌شوند یکی از روشهای مورد استفاده در این نوع نمونه گیری هدفمند یا قضاوتی است یعنی اینکه فرد باید دنبال افرادی بگردد که با موضوع مساله آشنایی دارند اعداد افراد خبره نیز از موارد بسیار مهم است که در روش دلفی باید مورد توجه قرار گیرد که در مقالات مختلف و معتبر به تعداد بین ۱۰ تا ۲۰ نفر اشاره کرده است. تعداد راندهای دلفی نیز در پژوهش‌ها متفاوت می‌باشد با این حال مقالات و پژوهش‌ها تعداد ۳ راند را برای دلفی مناسب دانسته اند. بنابراین در پژوهش حاضر مراحل انجام روش دلفی به شرح زیر است:

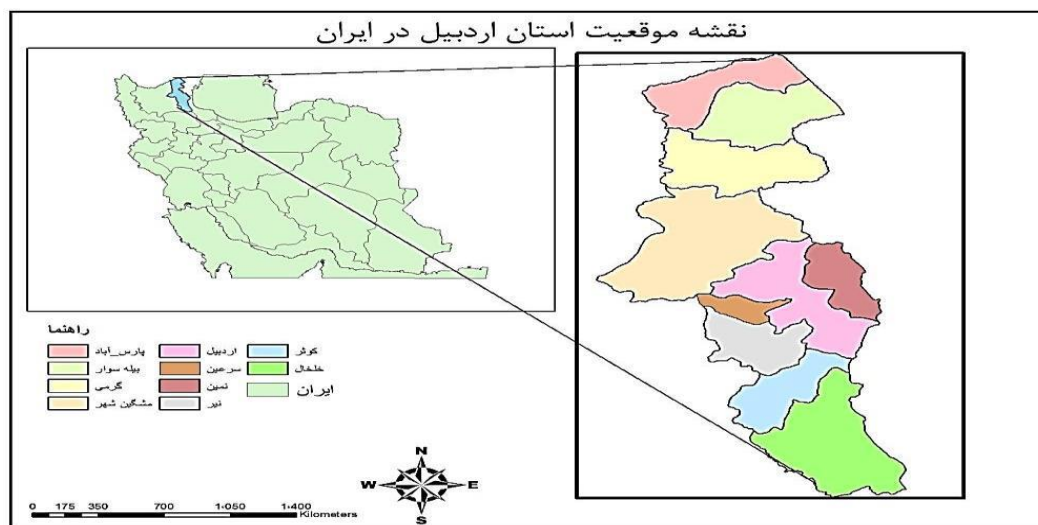
¹ Chambers and krause

² Nourry

- (۱) تشکیل تیم اجرا و نظارت بر انجام دلفی
- (۲) انتخاب متخصصان و خبرگان حوزه تحقیق
- (۳) راه اندازی فعالیت‌های تنظیم پرسش نامه برای دور اول
- (۴) ارسال اولین پرسشنامه به متخصصان
- (۵) تجزیه و تحلیل پاسخ‌های رسیده در دور اول
- (۶) آماده کردن پرسش نامه دور دوم (با بازنگری‌های مورد نیاز)
- (۷) ارسال پرسش نامه دور دوم برای متخصصان
- (۸) تجزیه و تحلیل پاسخ‌های رسیده در دور دوم (مراحل ۳ الی ۴ بار تا حصول پایداری در پاسخ‌های دریافتی ادامه می‌یابد)
- (۹) آماده سازی گزارش توسط تیم تحلیل گر

محدوده مورد مطالعه

استان اردبیل با وسعتی معادل ۱۷۸۶۷ کیلومتر مربع (۱/۱ درصد از مساحت کشور) در شمال فلات ایران بین ۳۷ درجه و ۴۵ دقیقه تا ۳۹ درجه و ۴۲ دقیقه عرض شمالی از خط استوا و ۴۷ درجه و ۳۰ دقیقه تا ۴۸ درجه و ۵۵ دقیقه طول شرقی از نصف النهار گرینویچ در شمال غرب ایران واقع شده است. بر اساس آخرین تقسیمات کشوری دارای ۱۰ شهرستان، ۲۵ بخش، ۲۲ شهر و ۶۶ دهستان می‌باشد. میزان شهرنشینی و روستائینی به ترتیب در استان ۶۳/۹۹ درصد و ۳۶/۰۱ درصد است.



تجزیه و تحلیل یافته‌های تحقیق

در این پژوهش، با استفاده از روش دلفی به جمع آوری نظرات کارشناسان در دفعات متعدد با استفاده متوالی از پرسشنامه‌ها به شناسایی مولفه‌های توسعه نیافتگی استان اردبیل پرداخته ایم. بنابراین در ادامه به نتایج حاصل از روش مزبور می‌پردازیم. در پرسشنامه راند اول یک سری عوامل توسعه نیافتگی برگرفته از مطالعه اسناد و مدارک وضعیت اقتصادی و اجتماعی استان اردبیل ذکر شده بود که از صاحب‌نظران مشارکت کننده در تحقیق درخواست گردید که نظر خود را در مورد مهم ترین عوامل توسعه نیافتگی اعلام نمایند.

جدول نتایج راند اول مهمترین عوامل توسعه نیافتگی

مهمترین عوامل توسعه نیافتگی	
۳/۹	نبود تفکر توسعه در بین ساکنان و عدم تداوم و لزوم مستمر بودن فعالیت‌ها و برنامه های توسعه
۳	نبود برنامه های اقتصادی متناسب با ظرفیت و پتانسیل
۱/۱۳	سرمایه گذاری های ناکافی بخش خصوصی به سبب حمایت ناکافی بخش دولتی
۱/۱۹	رویه آزمون و خطا در شیوه های مدیریتی
۳/۰۱	نداشتن سیاست فعال و روشن در قبال جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی
۳/۳	واردات محصولات صنعتی مشابه محصولات تولیدی استان
۲/۸۸	نبود برنامه جامع جهت حمایت مالی از صادر کنندگان و تجار استانی
۲/۹۰	کوهستانی بودن استان و وجود فرسایش آبی و بادی در اراضی شیب دار
۳/۱۸	عدم حمایت از صنایع از طریق با برپا نمودن نمایشگاه‌های خارج از کشور
۲/۱	ناکافی بودن اراده و همت متولیان اقتصادی
۱/۱	پایین بودن امکانات رفاهی - اقامتی شهر
۲	کیفیت پایین زندگی ساکنان
۴/۲۳	عدم توجه به توانمندیهای نخبگان
۴/۲	فقدان نظام شایسته سالاری بر حسب تخصص
۳/۳	پایین بودن سطح درآمد ساکنان
۲	پایین بودن رفاه اجتماعی
۳/۸۱	بی توجهی نسبی به اوقات فراغت
۳/۲	افزایش آسیب‌ها و ناهنجاری‌های اجتماعی
۳/۲۶	توجه اندک به حوزه های هنری (موسیقی، هنر، سینما و...) و صنایع فرهنگی
۳/۱۵	عدم برگزاری همایش‌ها و کارگاه‌های آموزشی
۳/۷۵	میزان پایین مطالعه در بین ساکنان

از ۲۱ عامل مطرح شده عوامل توسعه نیافتگی اردبیل، ۷ گزینه سطح اتفاق نظر را کسب نمودند. نبود تفکر توسعه در بین ساکنان و عدم تداوم و لزوم مستمر بودن فعالیت‌ها و برنامه های توسعه، محدود بودن فرصت های شغلی در منطقه، فقدان نظام شایسته سالاری بر حسب تخصص، عدم توجه به توانمندیهای نخبگان، بی توجهی نسبی به اوقات فراغت، مراودات ضعیف فرهنگی و اجتماعی، میزان پایین مطالعه در بین ساکنان به ترتیب مهمترین عوامل توسعه نیافتگی از دیدگاه مشارکت کنندگان در راند اول پژوهش بودند. در این مرحله پس از بررسی دیدگاه‌ها و پیشنهادهای صاحب‌نظران ۸ عامل زیر نیز به عنوان عوامل توسعه نیافتگی از دیدگاه مشارکت کنندگان پژوهش انتخاب گردید:

ردیف	عوامل توسعه نیافتگی
۱	کم بودن فاصله بین دریافت و پرداخت وام
۲	عدم الگو برداری و الهام از برنامه های موفق سایر استان ها
۳	محدود بودن فرصت های شغلی در منطقه
۴	پایین بودن رفاه اجتماعی
۵	عدم اعتماد به مسئولین و ضعف اعتماد مردم به همدیگر
۶	مراودات ضعیف فرهنگی و اجتماعی
۷	بی توجهی به کیفیت آموزش
۸	ناکافی بودن بودجه فرهنگی

یافته‌های راند دوم

در راند دوم پاسخ‌های هر عضو در دور اول به همراه پاسخ‌های تمام اعضای پانل دلفی در اختیار تک تک اعضا قرار گرفت و دوباره از آنها نظرخواهی شد. لازم به ذکر است که در این دور علاوه بر ۲۱ عامل قبلی، علل پیشنهادی اعضای پانل دلفی در دور اول نیز در اختیار اعضای پانل قرار گرفت تا نظر خود را درباره آنها ارائه نمایند. نتایج این راند به شرح زیر است:

جدول نتایج راند دوم مهمترین عوامل توسعه نیافتگی

مهمترین عوامل توسعه نیافتگی		
۱/۴۶	سرمایه گذاری های ناکافی بخش خصوصی به سبب حمایت ناکافی بخش دولتی	عوامل اقتصادی
۳/۰۹	نبود برنامه های اقتصادی متناسب با ظرفیت و پتانسیل	
۳/۹۵	نبود تفکر توسعه در بین ساکنان و عدم تداوم و لزوم مستمر بودن فعالیت‌ها و برنامه های توسعه	
۲/۹۰	نبود برنامه جامع جهت حمایت مالی از صادر کنندگان و تجار استانی	
۴/۱۳	محدود بودن فرصت های شغلی در منطقه	
۳	واردات محصولات صنعتی مشابه محصولات تولیدی استان	
۱/۸۴	رویه آزمون و خطا در شیوه های مدیریتی	
۲/۹۵	کوهستانی بودن استان و وجود فرسایش آبی و بادی در اراضی شیب دار	
۳/۰۸	کم بودن فاصله بین دریافت و پرداخت وام	
۳/۱۰	حاکمیت ارزش های عام گرایانه در محیط کار	
۲/۱۷	ناکافی بودن اراده و همت متولیان اقتصادی	
۱/۲۷	پایین بودن امکانات رفاهی - اقامتی شهر	
۳/۵۵	عدم حمایت از صنایع از طریق با برپا نمودن نمایشگاههای خارج از کشور	
۳/۲۶	عدم الگو برداری و الهام از برنامه های موفق سایر استان ها	عوامل اجتماعی
۳/۱۲	نداشتن سیاست فعال و روشن در قبال جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی	
۳/۳۰	افزایش آسیب ها و ناهنجاری های اجتماعی	
۳/۹۰	بی توجهی نسبی به اوقات فراغت	
۴/۱۱	فقدان نظام شایسته سالاری بر حسب تخصص	
۲/۸۰	کیفیت پایین زندگی ساکنان	
۲	پایین بودن رفاه اجتماعی	
۴/۲۵	عدم توجه به توانمندیهای نخبگان	
۳/۰۱	عدم اعتماد به مسئولین و ضعف اعتماد مردم به همدیگر	
۳/۲	پایین بودن سطح درآمد ساکنان	
۳/۳۵	مراودات ضعیف فرهنگی و اجتماعی	عوامل فرهنگی
۳/۸۱	توجه اندک به حوزه های هنری (موسیقی، هنر، سینما و...) و صنایع فرهنگی	
۳	بی توجهی به کیفیت آموزش	
۳/۲۴	عدم برگزاری همایش ها و کارگاههای آموزشی	
۳/۸۹	میزان پایین مطالعه در بین ساکنان	
۳/۲۰	ناکافی بودن بودجه فرهنگی	

در این راند عوامل ناکافی بودن بودجه فرهنگی، بی توجهی به کیفیت آموزش، کم بودن فاصله بین دریافت و پرداخت وام، عدم الگو برداری و الهام از برنامه های موفق سایر استان ها، محدود بودن فرصت های شغلی در منطقه، پایین بودن رفاه اجتماعی، عدم اعتماد به مسئولین و ضعف اعتماد مردم به همدیگر، مراودات ضعیف فرهنگی و اجتماعی به عوامل توسعه نیافتگی اضافه گردید. از میان عامل های مطرح شده چهار عامل عدم توجه به توانمندی های نخبگان، محدود بودن فرصت های شغلی در منطقه، فقدان نظام شایسته سالاری بر حسب تخصص، نبود تفکر توسعه در بین ساکنان و عدم تداوم و لزوم مستمر بودن فعالیت ها و برنامه های توسعه بیشترین امتیاز را کسب کردند و از دیدگاه صاحب نظران مشارکت کننده در تحقیق مهمترین عوامل توسعه نیافتگی اردبیل بودند.

یافته های راند سوم

در پرسشنامه راند سوم پاسخ هر متخصص در دور دوم ارائه شد. در این راند مواردی که سطح اتفاق نظر آن ها پایین بود حذف گردید. بنابراین همه موارد ذکر شده دارای بیشترین اتفاق نظر بودند و از پاسخگویان درخواست شد تا میزان موافقت خود را با گزینه های مطرح شده اعلام دارند. نتایج راند سوم به شرح زیر می باشد:

جدول نتایج راند سوم مهمترین عوامل توسعه نیافتگی

مهمترین عوامل توسعه نیافتگی		
عوامل اقتصادی	نبود تفکر توسعه در بین ساکنان و عدم تداوم و لزوم مستمر بودن فعالیت ها و برنامه های توسعه	۴/۴
	نبود برنامه های اقتصادی متناسب با ظرفیت و پتانسیل	۳/۱۶
	کوهستانی بودن استان و وجود فرسایش آبی و بادی در اراضی شیب دار	۳
	واردات محصولات صنعتی مشابه محصولات تولیدی استان	۴/۱۴
	نداشتن سیاست فعال و روشن در قبال جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی	۴/۲۵
	سرمایه گذاری های ناکافی بخش خصوصی به سبب حمایت ناکافی بخش دولتی	۱/۹۰
	نبود برنامه جامع جهت حمایت مالی از صادر کنندگان و تجار استانی	۳/۰۳
	حاکمیت ارزش های عام گرایانه در محیط کار	۳/۲۱
	عدم حمایت از صنایع از طریق با برپا نمودن نمایشگاه های خارج از کشور	۴/۱۱
	رویه آزمون و خطا در شیوه های مدیریتی	۲/۸۴
	ناکافی بودن اراده و همت متولیان اقتصادی	۲/۲۹
	پایین بودن امکانات رفاهی - اقامتی شهر	۱/۱۴
	کم بودن فاصله بین دریافت و پرداخت وام	۳/۰۹
	عدم الگو برداری و الهام از برنامه های موفق سایر استان ها	۳/۰۶
	محدود بودن فرصت های شغلی در منطقه	۴/۵۲
عوامل اجتماعی	کیفیت پایین زندگی ساکنان	۲/۹۸
	عدم اعتماد به مسئولین و ضعف اعتماد مردم به همدیگر	۳/۳
	فقدان نظام شایسته سالاری بر حسب تخصص	۴/۳۴
	بی توجهی نسبی به اوقات فراغت	۴/۵
	پایین بودن رفاه اجتماعی	۲/۸۸
	عدم توجه به توانمندی های نخبگان	۴/۵۶
	افزایش آسیب ها و ناهنجاری های اجتماعی	۳/۳۲
	پایین بودن سطح درآمد ساکنان	۳/۴

۴/۲۱	مراودات ضعیف فرهنگی و اجتماعی	
۳/۵۳	توجه اندک به حوزه های هنری (موسیقی، هنر، سینما و...) و صنایع فرهنگی	عوامل فرهنگی
۳/۹۹	عدم برگزاری همایش ها و کارگاه های آموزشی	
۴/۰۱	میزان پایین مطالعه در بین ساکنان	
۳/۷	بی توجهی به کیفیت آموزش	
۳/۵۵	ناکافی بودن بودجه فرهنگی	

از بین عواملی که در راند اول مطرح شده برای توسعه نیافتگی در راند سوم به ترتیب ۵ عامل عدم توجه به توانمندیهای نخبگان، محدود بودن فرصت های شغلی در منطقه، بی توجهی نسبی به اوقات فراغت، نبود تفکر توسعه در بین ساکنان و عدم تداوم و لزوم مستمر بودن فعالیت ها و برنامه های توسعه، فقدان نظام شایسته سالاری بر حسب تخصص، بیشترین امتیاز را کسب کردند و مهمترین علل توسعه نیافتگی استان اردبیل می باشند.

سه عامل پایین بودن امکانات رفاهی - اقامتی شهر، سرمایه گذاری های ناکافی بخش خصوصی به سبب حمایت ناکافی بخش دولتی، ناکافی بودن اراده و همت متولیان اقتصادی کمترین امتیاز را دریافت کردند و پایین ترین نقش را در توسعه نیافتگی استان اردبیل در تحقیق را دارا بودند.

نتیجه گیری و پیشنهادات

توسعه پایدار در هر کشور و سرزمینی به برنامه ریزی منسجم و هماهنگی نیازمند است. انسجام برنامه ریزی نیز در سایه اتخاذ سیاست هایی در غالب الگوهای معین ممکن می شود. الگوهایی که برگرفته از ایدئولوژی حاکم و مورد پذیرش بهره مندان از توسعه پایدار باشد.

سنجش سطح توسعه یافتگی و عوامل موثر بر آن واحدهای منطقه ای و عوامل موثر بر آن در هر کشور امری مهم و اساسی در زمینه برنامه ریزی منطقه ای و سیاست گذاری توسعه به شمار می رود که در عین حال، عاملی کلیدی برای تخصیص منابع مختلف نیز محسوب می شود؛ زیرا در نتیجه تحلیل فضایی توسعه، نابرابری ها میزان محرومیت نواحی مختلف مشخص می گردد و اولویت اقدامات برای ارتقای سطح زندگی را بررسی و شناخت مناطق، قابلیت ها و تنگناهای آن در برنامه ریزی ناحیه ای از اهمیت به سزایی برخوردار است، چرا که آگاهی از نقاط قوت و ضعف نواحی، ضرورتی جهت ارائه طرح ها و برنامه های منطقه ای محسوب می شود. از این رو تشخیص تقسیم بندی های سرزمینی از نظر برخورداری و اولویت بندی آنها برای اقدامات بعدی همواره از مشغولیت های ذهنی مسئولان توسعه بوده معلوم می دارد.

نتایج حاصل از تحقیق

جهت ارائه راهبردهای توسعه یافتگی استان اردبیل از طریق روش دلفی شاخص ها و عوامل را شناسایی کرده، سپس این شاخص ها در ۳ راند در اختیار کارشناسان و متخصصین این حوزه قرار داده و در نتیجه بر اساس امتیاز به دست آمده مهمترین عوامل توسعه نیافتگی به ترتیب ۵ عامل عدم توجه به توانمندیهای نخبگان، محدود بودن فرصت های شغلی در منطقه، بی توجهی نسبی به اوقات فراغت، نبود تفکر توسعه در بین ساکنان و عدم تداوم و لزوم مستمر بودن فعالیت ها و برنامه های توسعه، فقدان نظام شایسته سالاری بر حسب تخصص، بیشترین امتیاز را کسب کردند و مهمترین علل توسعه نیافتگی استان اردبیل می باشند. همچنین سه عامل پایین بودن امکانات رفاهی - اقامتی شهر، سرمایه گذاری های ناکافی بخش خصوصی به سبب حمایت ناکافی بخش دولتی، ناکافی بودن

اراده و همت متولیان اقتصادی کمترین امتیاز را دریافت کردند و پایین ترین نقش را در توسعه نیافتگی استان اردبیل در تحقیق را دارا بودند. راهبردهای برگرفته از عوامل تحقیق عبارتند از:

- تلاش برای جذب شرکتهای سرمایه گذار معدنی خارجی در راستای مطالعات مناطق مستعد معدنی
- توجه به شایسته سالاری و توانمندیهای نخبگان
- اخذ الگوی موفق برنامههای اقتصادی- اجتماعی استانهای موفق و بکارگیری آن
- تقویت و پشتیبانی بیمه برای سرمایه گذاریهای خطر پذیر
- فراهم سازی شرایط آسان و ایجاد امتیاز ویژه برای جذب سرمایه گذاری خارجی در بخش زراعت و باغداری
- ارائه تسهیلات مناسب و انجام پشتیبانیهای لازم برای توانمندسازی
- توسعه فرهنگ مشارکت در جهت سرمایه گذاری بومی
- اشتغالزایی از طریق تاسیس موسسات گردشگری و آموزش نیروی انسانی کارآمد
- گسترش راه های ارتباطی به عنوان گلوگاه توسعه؛ تعادل بخشی در سازمان فضایی و ارتباطی استان از طریق ایجاد زیرساختها در نواحی مستعد
- ترویج و به کارگیری الگوی حکمروایی خوب شهری در فرایند مدیریت شهری با مولفه هایی همچون اعتماد سازی بین مدیران و شهروندان، اتخاذ رویکرد اجتماع محور، شفافیت پاسخگویی، قانون مداری
- برپایی و شرکت در نمایشگاههای توانمندی استان در کشورهای هدف صادراتی
- حمایت از بخش خصوصی و استفاده از امکانات آنان در تقویت صنعت
- کاهش ضعفهای فرهنگی و هنری از طریق مطالعه در زمینه هنر و تاریخ استان
- تقویت شبکههای اجتماعی مذهبی و استفاده از کارکردهای اجتماعی آنها برای ایجاد مشارکت، همبستگی و اعتمادسازی...
- ساماندهی اشتغال و فعالیتها در بخشهای غیررسمی اقتصاد از طریق توسعه صنعتی و اشتغال در بخش خصوصی.

منابع

- ابراهیمی، جعفر؛ رسولزاده، صمد (۱۴۰۰)، تحلیل جامعهشناختی عوامل نهادی توسعه و توسعه نیافتگی در استان آذربایجان شرقی با روش داده بنیاد، مجله: مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال سیزدهم - شماره ۴
- ازکیا مصطفی، غفاری غلامرضا (۱۳۸۸). جامعهشناسی توسعه چاپ هشتم. تهران: انتشارات کیهان.
- ازکیا مصطفی، غفاری غلامرضا (۱۳۸۸). جامعه شناسی توسعه چاپ هشتم. تهران: انتشارات کیهان.
- ازکیا، مصطفی (۱۳۶۷)، نظریههای توسعه یافتگی، فصلنامه علوم اجتماعی، دوره جدید شماره ۱.
- اسماعیل زاده، حسن، صالح پور، شمسی؛ اسماعیل زاده یعقوب (۱۳۹۵)، تحلیل سطح توسعه یافتگی شهرستانهای استان البرز، نشریه برنامه ریزی و آمایش فضا (مدرس علوم انسانی)، شماره ۲۰
- تقوایی، مسعود و بهاری، عیسی (۱۳۹۱)، سطح بندی و سنجش درجه توسعه یافتگی شهرستانهای استان مازندران با استفاده از مدل تحلیل عاملی و تحلیل خوشه ای. جغرافیا و برنامه ریزی محیطی سال ۲۳، پیاپی ۴۸، شماره ۴
- توسلی، غلامعباس (۱۳۸۴)، نظریههای جامعه شناسی، تهران: سمت
- تودارو، مایکل (۱۳۶۶). توسعه اقتصادی در جهان سوم. ترجمه غلامعلی فرجادی، تهران: سازمان برنامه بودجه.

- حسن پور، سحر؛ یزدانی، محمدحسن (۱۴۰۰)، سنجش نابرابری فضایی توسعه یافتگی زیرساختی در استان اردبیل، مجله جغرافیا و آمایش شهری - منطقه ای، دوره ۱۱، شماره ۴۰
- رضوانی، محمدرضا (۱۳۸۴)، تعیین و تحلیل سطوح برخورداری نواحی روستایی استان زنجان، پژوهش های جغرافیایی، دوره ۳۶، شماره ۵۰
- زالی، نادر؛ سجادی اصل، سید علی (۱۳۹۶)، شناسایی عوامل کلیدی مؤثر بر توسعه نیافتگی منطقه ای (مطالعه موردی: استان کهگیلویه و بویراحمد)، مجله: برنامه ریزی منطقه ای، شماره ۲۶
- زنگی آبادی، علی؛ علی زاده، جابر و احمدیان مهدی (۱۳۹۳) تحلیلی بر درجه توسعه یافتگی شهرستان های استان آذربایجان شرقی با استفاده از مدل های AHP و TOPSIS فصلنامه نگرش های نو در جغرافیای انسانی. سال چهارم، شماره اول
- سالار، علی (۱۳۹۷)، بررسی تطبیقی- تاریخی شروط زمینه ای اجتماعی توسعه صنعتی در جوامع، با تأکید بر ایران، پایان نامه دکتری تخصصی، دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی
- سجادی، ژیل (۱۳۹۴)، نگرش جغرافیایی بر مفاهیم توسعه، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ششم.
- سو. ی. آلولین (۱۳۹۲)، تغییر اجتماعی و توسعه (مروری بر نظریات نوسازی وابستگی و نظام جهانی). ترجمه محمود حبیبی مظاهری. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- شومپیتر، جوزف (۱۳۸۰)، تاریخ تحلیل اقتصادی از آغاز تا سده ۱۸، ترجمه فریدون فاطمی، تهران. نشر مرکز.
- قدیمی، جلیل و عزیزیان، اکبر و آتش جامه، هوشنگ، ۱۳۹۴، تحلیل سطوح توسعه یافتگی شهرستان های استان اردبیل، دومین کنفرانس علمی پژوهشی افق های نوین در علوم جغرافیا و برنامه ریزی، معماری و شهرسازی ایران، تهران
- مردوخ، سوما؛ ساعی ارسی، ایرج (۱۳۹۷)، تبیین علل توسعه نیافتگی استان کردستان ایران (با کاربست روش کیفی)، مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، دوره ۱۱، شماره ۱
- معصومی اشکوری، حسن (۱۳۸۵)، اصول و مبانی برنامه ریزی منطقه ای رشت: سازمان برنامه و بودجه گیلان.
- ممتاز، غلامحسین (۱۳۹۴)، بررسی مفهوم جامعه شناسی توسعه، کنفرانس بین المللی علوم انسانی، روانشناسی و علوم اجتماعی، تهران: مرکز همایش های بین المللی صداوسیما
- مختاری، محمد (۱۳۹۶)، اولویت بندی درجه توسعه یافتگی شهرهای جدید استان تهران (پرنده، پردیس، اندیشه، هشتگرد) به روش تاکسونومی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشکده مدیریت
- میره ای، محمد؛ عارفی، مسلم و رشنوفر، آیت (۱۳۹۵)، پژوهشی بر توسعه یافتگی و نابرابری های آن در استان لرستان، فصلنامه جغرافیا و توسعه، فصلنامه برنامه ریزی منطقه ای، سال ۶، شماره پیاپی ۲۱
- والرشاین، امانوئل (۱۳۸۱)، سرمایه داری تاریخی، ترجمه یوسف نراقی، تهران: انتشارات سمت
- ویلیس، کتی (۱۳۹۳)، نظریه ها و تجربه های توسعه، ترجمه حسین جاجرمی، پیمان پوررجب، تهران: نشر پژوهاک
- یزدانی، محمدحسین، سیدین، افشار، طایفه عیسی خواجه لو، رسول. (۱۳۹۴)، سنجش و تحلیل سطوح توسعه یافتگی زیربنایی در نواحی روستایی استان اردبیل. فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال چهارم، شماره ۳، صص ۵۶-۳۹.
- Chambers, D., & Krause, A. (2010). Is the relationship between inequality and growth affected by physical and human capital accumulation? *The Journal of Economic Inequality*, 8(2), 153-172.
- Creswell, J., W. (2013). *Qualitative Inquiry & Research Design: Choosing among Five Approaches*. Los Angeles, CA: Sage.
- Chant, S., & McIlwaine, C. (2009). *Geographies of Development in the 21st century: An Introduction to the Global South*. Edward Elgar Publishing.
- Herzer, D., & Vollmer, S. (2012). "Inequality and growth: evidence from panel cointegration." *The Journal of Economic Inequality*, 10(4), 489-503.

- Nourry, M., (2008), Measuring Sustainable Development: Some Empirical Evidence Ecological Economics, Vol. 67, pp. 441-456.
- Potter, R., Binns, T., & Elliott, J. (2008). *Geographies of development: an introduction to development studies*. Pearson Education.
- PORTES, A. (2015). The Sociology of Development: From Modernization to the “Institutional Turn”. *Sociology of Development*, 1, 20-42.
- Rostow, W. (1990). *The stages of economic growth: a non-communist manifesto*. cambridge university press.